

وضعیت حقوقی معامله به قصد فرار از دین

بهر روز نوروزی*



* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وضعیت حقوقی معامله به قصد فرار از دین

تا قبل از اصلاح قانون مدنی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ ضمانت اجرای تمامی معاملات به قصد فرار از دین اعم از معوض و غیر معوض به حکم ماده ۲۱۸ ق.م غیر نافذ بود. در اصلاح دی ماه ۱۳۶۱ با حذف ماده مذکور، این معاملات در حالت مبهم و نامشخصی قرار گرفتند و با توجه به مبانی مختلف نظراتی شکل گرفت تا این که در اصلاحات مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۴ در ارتباط با معاملات به قصد فرار از دین دو ماده ۲۱۸ و ۲۱۸ مکرر وضع گردید، که در ماده ۲۱۸ معامله با قصد فرار از دین به طور صوری باطل اعلام گردید و ماده ۲۱۸ مکرر نوعی تأمین را برای طلبکاران مقرر داشت.

تحریر محل بحث: با این که مقتضی، بدهکار و مدیون شرعاً و قانوناً موظف به پرداخت و ایفای دین و تعهد می باشد، ممکن است اشخاصی به قصد اضرار به طلبکاران و برای فرار از ادای دین خود با انجام معاملات واقعی اموال خود را به دیگران انتقال دهند و یا این که بدون داشتن قصد جدی معامله و به طور صوری اموال خود را به نزدیکان و خویشان منتقل نمایند تا با ادعای اعسار، طلب طلبکاران را نپردازند، حال سؤال این است که آیا این عمل قانونی و مشروع است یا نه؟ به عبارت دیگر آیا معاملات و نقل و انتقال مدیون به قصد فرار از دین صحیح و نافذ است یا غیر نافذ و یا باطل؟

با استفاده از ماده ۲۱۸ اصلاحی، معاملات به قصد فرار از دین را می توان به دو

دسته تقسیم نمود:

۱ - معامله به قصد فرار از دین صوری

۲ - معامله به قصد فرار از دین واقعی (غیر صوری)

معامله به قصد فرار از دین صوری در این ماده صریحاً باطل اعلام شده است که امری بدیهی است زیرا با استفاده از عموماً و شرایط صحت معامله، و حتی با عدم پیش بینی حکم بطلان در این ماده نیز، معامله صوری که معامله‌ای است فاقد قصد انشایی، (خواه به قصد فرار از دین باشد یا نه) باطل و بی اعتبار است، به عبارت دیگر علت بطلان در معامله صوری فقدان قصد است و نه انگیزه و هدف فرار از پرداخت دین. و اما وضعیت و ضمانت اجرای معامله به قصد فرار از دین واقعی (غیر صوری) مسکوت مانده و موجب اختلاف نظر بین حقوقدانان گردیده است که این اختلاف نظر در فقه امامیه هم مشهود است.^۱ در این مقاله ضمن بیان و بررسی نظریات مختلف در نهایت وضعیت حقوقی معاملات به قصد فرار از دین که به طور واقعی انجام می‌گیرند در حقوق موضوعه ایران روشن و مشخص خواهد شد.

۱ - نظریه بطلان و عدم صحت

بعضی از نویسندگان حقوقی با توجه به قرار گرفتن معامله به قصد فرار از دین در مبحث جهت معامله، آن را یکی از مصادیق و موارد معامله با جهت نامشروع دانسته و در نتیجه قائل به بطلان آن شده‌اند.^۲

این تحلیل در فقه امامیه نیز طرفدارانی دارد و عده‌ای از فقهای عظام با استناد به قاعده لاضرر و نامشروع بودن چنین معاملاتی را صحیح نمی‌دانند،^۳ ولی به نظر می‌رسد

۱. آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۴، چاپ روزنامه رسمی.

۲. دکتر رضا نوری، عقود و ایقاعات در حقوق مدنی، چ اول بهار ۱۳۷۵، شرکت انتشاراتی پازنگ، ص ۳۰.

۳. سید محمد کاظم یزدی طباطبایی، سؤال و جواب، به اهتمام دکتر سید مصطفی محقق داماد، چ اول، بهار ۱۳۷۶، مرکز نشر علوم اسلامی تهران، ناشی ۳۷۰ و امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۸.

که قانونگذار قانون مدنی این نظر را نپذیرفته است، زیرا:

اولاً - معامله به قصد فرار از دین در مقایسه با جهت نامشروع دارای چهره عمومی ضعیف تری است و زشتی عمل بدهکار بیشتر از لحاظ زیانی است که به حقوق طلبکاران می‌رساند و نه برخورد با نظم عمومی و قواعد آمره.^۱

ثانیاً - در معامله با جهت نامشروع، تصریح به جهت یا تبانی آن و یا اطلاع طرف لازم است (مستفاد از ماده ۲۱۷) ولی در معامله به قصد فرار از دین ضرورتی به تصریح قصد فرار از دین وجود ندارد.^۲

ثالثاً - جهت معامله که در ماده ۲۱۷ قید موضوع حکم قرار گرفته است انگیزه با یک واسطه عقد است در حالی که در معامله به قصد فرار از دین بیش از یک واسطه وجود دارد و در چنین وضعیتی نمی‌توان معامله را به دلیل وجود جهت نامشروع باطل دانست.^۳

رابعاً - معامله با جهت نامشروع در ماده ۲۱۷ صریحاً باطل اعلام شده است ولی در ماده ۲۱۸ قانونگذار با این که در مقام بیان بوده، نسبت به بطلان معامله با قصد فرار از دین سکوت نموده است و این سکوت به منزله بیان است یعنی قانونگذار خواسته که این گونه معاملات مشمول قاعده اولیه و اصل صحت باشند.

خامساً - از مفاد ماده ۲۱۸ مکرر که نوعی تأمین اموال بدهکار گریزان از وفای به عهد را مقرر داشته است چنین بر می‌آید که اگر معامله مدیون واقع شده باشد (به طور واقعی نه صوری) باطل نیست.^۴

۲ - نظریه صحت به نحو مطلق

برخی از فقها به استناد قاعده تسلیط و عدم محجوریت مدیون تا زمانی که حکم

۱. دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ اول ۱۳۶۲، انتشار منتشر، ش ۴۴۹.

۲. دکتر حمید بهرامی احمدی، کلیات عقود و قراردادها در حقوق مدنی، چ اول، پاییز ۱۳۸۱، نشر میزان، ص ۱۱۵.

۳. دکتر مهدی شهیدی، حقوق مدنی - تشکیل قراردادها و تعهدات، چ اول، چ ۱۳۸۰، انتشارات مجد، شماره ۲۹۸ تا ۳۱۶.

۴. دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ اول، تابستان ۱۳۷۷، شرح شماره ۴ بر ماده ۲۱۸.

حجر او از طرف حاکم شرع صادر نشده است (مفلس) هرگونه معامله مدیون را حتی اگر سبب اخراج تمامی اموال مدیون و اعسار کامل او گردد، صحیح و نافذ می‌دانند.^۱

عده‌ای از حقوقدانان نیز پس از حذف ماده ۲۱۸ در اصلاحات سال ۱۳۶۱ و مسکوت ماندن حکم معامله به قصد فرار از دین به طور واقعی در اصلاح سال ۱۳۷۰ با استفاده از اصول حقوق و عموماً از جمله اصل اباحه و آزادی قرارداد و عدم منع قانونگذار، هرگونه معامله به قصد فرار از دین واقعی را صحیح و معتبر دانسته‌اند، که به نظر می‌رسد این ضمانت اجرا هم مورد توجه قانونگذار قانون مدنی نبوده است زیرا با توجه به احکام ویژه در مورد برخی از معاملات از جمله وقف و معاملات تاجر متوقف و... برخی از معاملات به قصد فرار از دین غیر نافذ شناخته شده است (ماده ۶۵ ق. م و ماده ۵۰۰ ق. ت).

۳ - نظریه غیرنافذ بودن

عده‌ای از حقوقدانان، هم در فاصله زمانی دی ماه ۱۳۶۱ تا آبان ماه ۱۳۷۰ و هم از سال ۱۳۷۰ یعنی زمان وضع ماده ۲۱۸ و ۲۱۸ مکرر به بعد با وجودی که حکم مندرج در ماده ۲۱۸ قبلی در ماده ۲۱۸ اصلاحی آورده نشده است با اتخاذ وحدت ملاک از مقررات خاصی که حکم غیر نافذ را برای بعضی معاملات مقرر داشته از جمله ماده ۶۵ ق. م هر نوع معامله به قصد فرار از دین را غیر نافذ می‌دانند،^۲ که نادرستی آن امری واضح است زیرا اگر قانونگذار نظر به غیر نافذ بودن تمام معاملات به قصد فرار از دین داشت ماده ۲۱۸ سابق را که مبین این حکم بود حذف نمی‌کرد و یا این که در صورت ارتکاب سهو و مسامحه در حذف آن، در سال ۱۳۷۰ آن را احیاء می‌نمود.

۴ - نظریه منتخب

در سالهای زمانی ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ برخی از نویسندگان حقوقی در مورد ضمانت اجرای

۱. محقق حلّی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۴۳ و شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۵، ص ۲۷۹ و علامه حلّی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۵۷ به نقل از آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، همان منبع.

۲. دکتر حمید بهرامی احمدی، همان منبع، ص ۱۱۳.

معاملات به قصد فرار از دین قائل به تفکیک گردیده یعنی در مواردی معامله را صحیح و در برخی موارد آن را غیر نافذ می‌شناختند که با تصویب ماده ۲۱۸ اصلاحی در سال ۱۳۷۰ و با توجه به این که این ماده نسبت به معاملات به قصد فرار از دین بار حقوقی ندارد (بطلان معامله صوری به دلیل عدم قصد انشاء است و در مورد معاملات واقعی که به قصد فرار از دین صورت می‌گیرد حکمی ندارد) همان وضع قبلی یعنی قائل شدن به تفکیک معاملات به قصد فرار از دین (معامله واقعی) وجود دارد. هر چند برخی علمای حقوق در زمان حاکمیت ماده ۲۱۸ سابق مبنای مندرج در آن را وثیقه عمومی بودن اموال مدیون می‌دانستند.^۱ و امروزه هم عده‌ای می‌خواهند با توسل بر آن نظریه، معاملات به قصد فرار از دین مدیون را غیر نافذ بشناسند ولی آنچه واقعیت دارد این است که برای طلبکاران عادی هیچ‌گونه حق عینی نسبت به اموال و دارایی شخص بدهکار و همچنین هیچ‌گونه محدودیتی نسبت به تصرفات وی در اموالش ایجاد نمی‌شود مگر این که مالی، وثیقه دینی قرار گیرد. یا مالی از او مورد توقیف تأمین و اجرایی قرار گیرد و یا این که با صدور حکم ورشکستگی، شخص تاجر از تصرف در دارایی خود ممنوع گردد و یا با فوت شخص، اموال او وثیقه دیون او قرار گیرد (ترکه متوفی نوعی وثیقه دیون اوست). و از طرف دیگر همه معاملات و تصرفات حقوقی بدهکار به نحو یکسانی در دارایی او اثر نمی‌گذارد. در تصرفات مجانی و تبرعی، مالی از دارایی او خارج می‌گردد، بدون این که چیزی جایگزین آن شود. ولی در تصرفات معوض، ما به ازای مال انتقال یافته، جایگزین می‌گردد. با عنایت به عموماً و اصول حقوقی و برخی مقررات خاص در نظام حقوقی از جمله ماده ۶۵ ق. م و مواد ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۵۰۰ ق. ت و ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ وضعیت حقوقی معاملات واقعی و به قصد فرار از دین را می‌توان به شرح زیر تفکیک نمود:

غیر نافذ بودن معاملات تبرعی، غیر معوض و محاباتی که به قصد فرار از دین واقع می‌شود:

با استفاده از وحدت ملاک ماده ۶۵ ق. م در خصوص وقف که یک عمل حقوقی

۱. دکتر حسن امامی، حقوق مدنی ج ۱، چ چهارم، سال ۱۳۶۳، کتابفروشی اسلامی، ص ۲۲۷.

تبرعی و مجانی است، هر نوع معامله تبرعی و مجانی و محاباتی غیر نافذ است.^۱ زیرا در وقف و هر معامله شبیه به آن که با هدف و انگیزه فرار از دین صورت می‌گیرد مالی از دارایی بدهکار خارج می‌شود بدون این که چیزی به جای آن وارد دارایی او شود و در نتیجه به طور قطع و یقین موجب ضرر و زیان می‌گردد. همچنین عقد وقف خصوصیتی جدا از سایر معاملات مجانی ندارد که آن را غیر نافذ بدانیم و برای بقیه ضمانت اجرای دیگری قائل شویم.

غیر قابل استناد بودن معامله به قصد فرار از دین لازم الاجرا

اگر متعهد اسناد لازم الاجرا (اسناد رسمی) و محکوم علیه احکام مالی دادگاهها به قصد فرار از دین خود موضوع آن اسناد و احکام و با فراهم بودن شرایطی معاملاتی بنمایند، نسبت به طلبکاران قابلیت استناد ندارد. ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۷۷ مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیتهای مالی، مال خود را به دیگری انتقال دهد، به نحوی که باقی مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد، عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد، و انتقال گیرنده نیز در صورتی که با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در مالکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد».

شرایط لازم برای غیر قابل استناد بودن معامله مزبور عبارتند از:

الف) وجود دین لازم الاجرا یا محکومیت مالی؛ ب) انتقال مال توسط مدیون به دیگران؛ ج) قصد فرار از دین. د) عدم تکافوی باقی مانده اموال برای پرداخت بدهی؛ ه) آگاهی انتقال گیرنده از قصد بدهکار (شرط تبانی منتقل الیه).

ضمانت اجرای غیر قابل استناد بودن معامله به معنی غیر نافذ بودن معامله نیست

۱. بهرام درویش خادم، معامله به قصد فرار از دین در حقوق اسلام و ایران، چ اول، تابستان ۱۳۷۰، سازمان انتشارات کیهان، ص ۴۴.

هر چند برخی از نویسندگان به اشتباه آن را به معنی غیر نافذ دانسته‌اند.^۱

۳- قابلیت فسخ تمام معاملات و اعمال حقوقی مالی تاجر ورشکسته

قبل از تاریخ توقف که به قصد فرار از دین و همراه با ورود ضرر به میزان بیش از یک چهارم قیمت حین معامله صورت می‌گیرد (ماده ۴۲۴ ق.ت و شایان ذکر است که معامله قابل فسخ نوعی معامله صحیح است)^۲ و قابلیت ابطال معاملات تاجر ورشکسته در دوران حکومت قرارداد ارفاقی که به قصد فرار از دین باشد (ماده ۵۰۰ ق.ت که معامله قابل ابطال همانند غیر نافذ می‌باشد) و بطلان کلیه معاملات و تصرفات حقوقی غیر معوض، تبرعات و تصرفات محاباتی تاجر بعد از تاریخ توقف صرف نظر از قصد یا عدم قصد فرار از دین (بند ۱ ماده ۴۲۳ ق.ت)

۴- صحیح و معتبر بودن معاملات معوض بدهکار

معاملات معوض (معاوضات محض) مدیون هر چند به قصد فرار از دین عادی باشد و به طور واقعی و نه صوری صورت بگیرد به غیر از مواردی که دارای حکم خاصی است صحیح و معتبر است زیرا:

اولاً- از مفهوم مخالف ماده ۲۱۸ اصلاحی ۱۳۷۰ چنین برمی‌آید که معاملات واقعی به قصد فرار از دین مدیون غیر باطل است و غیر باطل شامل صحیح نافذ و صحیح غیر نافذ می‌شود که با توجه به حذف ماده ۲۱۸ سابق که حکم آن غیر نافذ بود و عدم ابقای آن در اصلاحات سال ۱۳۷۰، قانونگذار نظر به غیر نافذ بودن این گونه معاملات نداشته، بلکه مفهوم ماده ۲۱۸ اصلاحی، چنین معاملاتی را تجویز می‌کند.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. به نقل از بهرام درویش خادم، همان منبع، ص ۵۲.
۲. فسخ در این ماده به معنی اصطلاحی است و نه عدم نفوذ که برخی از حقوقدانان از جمله آقای دکتر کاتوزیان در قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۲۵۹ به کار برده‌اند.
۳. علی غریبه خونیک، مقاله شرح نقدی بر ماده ۲۱۸ اصلاحی، در مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، شماره پنجم، پاییز ۱۳۷۱، چاپ روزنامه رسمی، ص ۷۹.

ثانیاً - از مفاد ماده ۲۱۸ مکرر که تأمین اموال مدیون گریزان از پرداخت دین را مقرر داشته است بر می آید که معامله به قصد فرار از دین واقعی، صحیح و نافذ است.^۱ زیرا سیاق کلام قانونگذار به نحوی است که چنانچه معامله انجام گیرد کاری از طلبکار ساخته نیست و فقط قبل از انجام معامله می تواند توقیف اموال مدیونی را که چنین قصدی دارد بخواهد.

ثالثاً - طبق اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده و مستفاد از ماده ۱۰ ق. م قراردادهای منعقدہ بین اشخاص در صورتی که مخالف صریح نباشد نافذ است و چون هیچ گونه صراحت قانونی بر رد و منع معامله به قصد فرار از دین به طور واقعی وجود ندارد صحیح و معتبر است.

رابعاً - قاعده اولیه، صحت قراردادها است. طبق نظر مشهور فقها و ماده ۲۲۳ ق. م هر معامله ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود و منظور از وقوع در این ماده وقوع عرفی معامله است و نه وقوع حقوقی.^۲ در نتیجه معاملات مذکور با تراضی و وجود اراده انسانی طرفین وقوع عرفی یافته و حمل بر صحت می گردد.

خامساً - به استناد قواعد و اصول و عموماً حقوقی از جمله قاعده تسلیط و عدم محجوریت مدیون (که در فقه هم طرفدارانی دارد) و همچنین بر اساس عموماً از قبیل اوفوا بالعقود... و این که معامله به قصد فرار از دین واقعی هم یکی از انواع عقود است، صحت و اعتبار این گونه معاملات مستفاد می گردد.

۱. دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ج اول، تابستان ۱۳۷۷، نشر دادگستر، شرح شماره ۳ بر ماده ۲۱۸ مکرر.

۲. دکتر مهدی شهیدی، حقوق مدنی - اصول قراردادها و تعهدات، ج ۲، چ اول، تابستان ۱۳۷۹، انتشارات عصر حقوق، ش ۹۶.